

بازاندیشی هرمنوتیک در شکل‌گیری پژوهش‌های کیفی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی با تأکید بر دیدگاه گادامر

فرشاد پرهام نیا^۱

مطالعات دانش‌شناسی

سال پنجم، شماره ۲۰، پاییز ۹۸، ص ۱۲۳ تا ۱۴۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۵

چکیده

یکی از روش‌های تحلیل اطلاعات، روش هرمنوتیک است. این روش یکی از روش‌های تفسیر متون است. هدف از پژوهش حاضر، بازاندیشی روش هرمنوتیک در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی با تأکید بر دیدگاه گادامر و ارائه فرایند تحلیل با روش هرمنوتیک عینی در این حوزه بوده است. پژوهش حاضر از نوع مروری استدلالی-انتقادی بود که در آن از روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که می‌توان روش هرمنوتیک را به‌عنوان یکی از روش‌های تحلیل پژوهش کیفی در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی بکار گرفت. آنچه بین این حوزه با هرمنوتیک وجه مشترک دارد، همان تفسیر متن است که در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی منظور از متن، اطلاعات و یا هر پدیده‌ای که با اطلاعات سروکار دارد، بود. همچنین در نظام‌های بازیابی اطلاعات، ورود اطلاعات با پیش‌فهم امکان‌پذیر بوده و رفتارهای بازیابی توسط جستجوگر همانند متن در نظر گرفته می‌شود. نتایج نشان داد هرمنوتیک می‌تواند به‌عنوان یک روش کیفی در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی در تولید دانش جدید مورد استفاده قرار گیرد. کاربرد هرمنوتیک در حوزه بازیابی اطلاعات به‌عنوان یک روش، ورود اطلاعات و رفتارهای فرد، متن و معنا در نظر گرفته می‌شود و ارزیابی آن نیز بر اساس پیش‌فرض‌هایی استوار است. همچنین مراحل هرمنوتیکی در قالب کلمه یا جمله به واحدهای معنایی تبدیل می‌شود و تفسیرها بر اساس این قالب‌های معنایی صورت خواهد گرفت و اشتراک واحدهای معنایی و ادغام آن‌ها منجر به تفسیر یا بازتولید متن خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: روش کیفی، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، هرمنوتیک، نظام‌های بازیابی اطلاعات

۱. * استادیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی،

کرمانشاه، ایران. fparhamnia@yahoo.com

مقدمه

رشد و گسترش علوم در حوزه علوم انسانی موجب تغییرات اساسی در روش‌های پژوهش شده است. این تغییرات بیشتر در نوع روش‌شناسی بوده که موجب شده رویکردهای مختلف فلسفی و علمی از مکاتب مختلف وارد حوزه پژوهش شود. به‌عنوان مثال محمدپور بیان می‌کند که در خلال چند دهه گذشته به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰ علوم انسانی، اجتماعی و رفتاری گرفتار مناقشه‌های نظری و روش‌شناختی متعددی بوده است. در این راستا می‌توان به پیدایش انواع پارادایم‌ها در علم اشاره کرد (محمدپور، ۱۳۸۹)؛ و در این میان هرمنوتیک هم از این مناقشه بی‌نصیب نبوده است.

قبل از تدوین هرمنوتیک به‌عنوان علم تفسیر و تأویل، توجه به تفسیر کتب مقدس در میان متفکران مسیحی رواج بسیار داشت. هرمنوتیک به‌عنوان یک شاخه علمی در دوره رنسانس پدید آمد. بر اساس عقیده دان هاور^۱ که نه‌تنها الهیات برای تفسیر کتاب مقدس، همه علوم بشری نیازمند تفسیر هستند. هرمنوتیک با فهم متن سروکار دارد که شامل نوشتار و گفتار است. یکی از متفکران هرمنوتیک بالأخص هرمنوتیک گادامر است. تفکر وی بر محور تعیین روش یا روش‌های تفسیر و بیان قواعد فهم متون نمی‌چرخد بلکه وی به دنبال شناسایی آن چیزی است که در همه فهم‌ها مشترک است و اوصاف مشترک تمام فهم‌ها را آشکار می‌سازد. به‌طور کلی تفکر هرمنوتیکی گادامر شامل فهم بر اثر ترکیب افق معنایی مفسر یا متن امکان‌پذیر است. از طرفی، هر مفسری دارای پیش‌داوری است که افق معنایی او را می‌سازد (نصری، ۱۳۸۴). در این نوشته سعی شده که به بررسی هرمنوتیک در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی پرداخته شود و از طرفی سعی شده که برخی از دیدگاه‌های گادامر بر هرمنوتیک را به‌صورت کلی بیان شود.

به تعبیر برخی از صاحب‌نظران، فلسفه و محصول آن یعنی هرمنوتیک یکی از عمیق‌ترین نوع تفکر محسوب می‌شود (قاسمی و ایمانی، ۱۳۹۲). چنانچه نشاط بیان می‌کند که در آغاز مفهوم شاخص در هرمنوتیک تفسیر بود، اما به‌تدریج جایگاه کانونی را مفهوم فهمیدن به

خود اختصاص داد و هم‌اکنون موضوع اندیشه فهم معنای ژرف‌ترین لایه هستی آگاهی انسان تلقی می‌شود (نشاط، ۱۳۸۴). همچنین امروزه علم هرمنوتیک در محافل کلامی و فلسفی هرروز بیشتر از روز پیش شنیده می‌شود (پالمر^۱، ۱۳۸۴)، زیرا تا چندی پیش، روش پوزیتیویستی و عینیت‌گرایی علوم ناشی از مدرنیته تنها روش ممکن برای مواجهه با پدیده‌های عینی و بیرونی بود؛ اما از زمان ویلهلم دیلتای^۲ به بعد، به دلیل توجه به آگاهی تاریخی برای علوم انسانی، روش‌شناسی جداگانه‌ای به نام روش تفسیری مورد توجه قرار گرفت (آب‌نیک، ۱۳۸۷). یکی از این روش‌های تفسیری که رشد پیدا کرد هرمنوتیک بود. هرمنوتیک به معنای تفسیر متن، دو مرحله روش‌شناختی و فلسفی را سپری کرده است. هرمنوتیک روش‌شناختی در ابتدا برای متون مقدس و سپس برای کلیه متون بکار رفت و هرمنوتیک فلسفی نیز که شمول آن از هرمنوتیک روش‌شناختی گسترده‌تر است، تمام معارف بشری اعم از متون نوشتاری، گفتاری و در مجموع تمام پدیدارها را شامل می‌شود (درخشه و نصرت‌پناه، ۱۳۹۳). هرمنوتیک به عنوان یک رویکرد اصلی فلسفی در کانونی‌ترین نقطه بحث خود به فهم^۳ و تفسیر می‌پردازد (قاسمی و ایمانی، ۱۳۹۲). مقصود از فهم در هرمنوتیک، فهم انسان و درک معنا توسط خواننده و مخاطب است؛ به این معنا که انسان وقتی متنی را می‌خواند و یا کلامی را از گوینده می‌شنود، آن را می‌فهمد (مشکانی سبزواری، اسماعیلی کریزی و جلیبی، ۱۳۹۳). اساس هرمنوتیک بر این است که می‌توان پدیده‌ها را فهم کرد. مسئله فهم در هرمنوتیک توجه به مقصد و هدف است (جلالی نائینی، ۱۳۵۴؛ ابولد^۴، ۲۰۰۷ نقل از آخشیک، ۱۳۹۱). روش‌شناسان هرمنوتیک اعتقاد دارند که شناخت پدیده‌های انسانی جزء با در نظر گرفتن زمینه، متن، محیط و زمانی که آن پدیده‌ها در آن شکل گرفته‌اند، مقدور نیست (علمی، ۱۳۸۸). هرمنوتیک در مقام روش تحلیل متن مورد توجه پژوهشگران زیادی در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته است. یکی از این

1. Palmer
2. Wilhelm Dilthey
3. Verstehen
4. Abulad

حوزه‌ها، علم اطلاعات و دانش‌شناسی است. در بین مباحث این حوزه، نظام‌های بازیابی اطلاعات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که لازم است مورد بررسی قرار گیرد.

نظام‌های بازیابی اطلاعات به بازنمون، ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات مرتبط با نیازها و سؤال‌های خاص کاربران می‌پردازند (حریری، ۱۳۷۷) فرایند بازیابی اطلاعات در اصل فرایندی هرمنوتیکی است زیرا با پیشینه و بستر زندگی جستجوگر ارتباط دارد که انواع گوناگونی از تجلیات زبان‌شناختی معنادار را در قالب رفتار، آثار و متن عرضه می‌کنند (نشاط، ۱۳۸۲). با این حال، رویکرد تأویلی در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ورود پیدا کرده است. از یکسو، خلأ پژوهش در مورد موضوع هرمنوتیک در این حوزه مشهود است. از سوی دیگر، پژوهش‌های قبلی عمدتاً بر نقش هرمنوتیک را در علوم اجتماعی، ادبیات، فلسفه، دین پرداخته‌اند؛ و کمتر بر حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی تمرکز کرده‌اند. همچنین در نشریات این حوزه مدتی است رویکرد کیفی جای خود را در موضوعات مختلف باز کرده و پژوهشگران به انجام پژوهش‌هایی با رویکردهایی چون گراند تئوری، پدیدارشناسی، قوم‌نگاری و غیره می‌پردازند. یکی از این رویکردها که با تحلیل متون سروکار دارد، روش هرمنوتیک است. با توجه به نحله‌های مختلف هرمنوتیکی که به بحث درباره پیش‌فرض‌ها و باورها در تفسیر متون می‌پردازند، جای آن دارد که به این سؤال پاسخ داده شود که آیا ارتباطی بین هرمنوتیک و مطالعات علم اطلاعات و دانش‌شناسی وجود دارد؟

روش

روش پژوهش حاضر از نوع مروری استدلالی-انتقادی است. در این روش از روش‌های اسنادی و کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده می‌شود و با ترکیب و جمع‌بندی اطلاعات گردآوری شده و استدلال‌ها آن‌ها به نتیجه می‌رسد. باین وجود آنچه در این روش از اهمیت برخوردار است رسیدن به نتایج مستدل بر اساس یک روش مطالعاتی نظام‌مند است (نقل از شیری و عظیمی، ۱۳۹۱).

قلمرو هرمنوتیک

کروتی^۱ (۱۹۹۸) واژه‌ی هرمنوتیک را از فعل یونانی هرمنوین^۲ که به معنی تفسیر یا دریافت اقتباس شده می‌داند (نقل از محمدپور، ۱۳۸۹). هرمنوین اشاره به نظام فکری‌ای دارد که به طبیعت و پیش‌فرض‌های تفسیر تجلیات بشری می‌پردازد (هاروی^۳، ۱۳۸۲). همچنین صورت اسمی آن هرمنیا^۴ در متون فارسی به تأویل ترجمه شده است. هرمنوین و هرمنیا در متون باستان نیز دیده می‌شود چنانچه ارسطو رساله بزرگی را در ارغنون به نام رساله باری ارمیناس اختصاص داد (پالمر، ۱۳۸۴). همچنین کروتی (۱۹۹۸) بیان می‌کند استفاده از هرمنوتیک ریشه در تفسیر یونان داشته است (نقل از ون‌زوویک، پاترسون و پنتلند^۵، ۲۰۰۸). در برخی از آثار مانند هایدگر واژه هرمنوتیک را به هرمس^۶ ارتباط داده است (پالمر، ۱۳۸۴؛ پاترسون و هیگز^۷، ۲۰۰۵). در طول تاریخ هرمنوتیک، متکلمان و فیلسوفانی همانند دیلتای، ۱۹۸۸؛ گادامر^۸، ۱۹۷۵؛ هایدگر^۹، ۱۹۶۲؛ ریکور^{۱۰}، ۱۹۷۶؛ شلایر ماخر^{۱۱}، ۱۹۷۷) نقش مهمی در تغییرات فلسفه هرمنوتیک و روش‌شناختی آن داشتند (پاترسون و هیگز، ۲۰۰۵). در مورد هرمنوتیک تعاریف متفاوتی و در بعضی مواقع متضاد ارائه شده است به طوری که برخی معتقدند هرمنوتیک به هیچ نظریه نظام‌مند واحد و یکپارچه اطلاق نمی‌شود (عابدی‌سرآسیا، ۱۳۹۵). بااین‌وجود در تعریف هرمنوتیک دو واژه یعنی تأویل و تفسیر بکار گرفته شده است. تأویل به معنای بازگرداندن چیزی به اصل آن است (احمدی، ۱۳۸۲) و تفسیر، بیانی مفهومی است. می‌توان گفت روش تأویل نظریه عمل فهم در جریان روابطش با تفسیر متون است (علمی، ۱۳۸۸). فهم یکی از نکات مهم در هرمنوتیک است. شلایر ماخر به‌عنوان بنیان‌گذار هرمنوتیک مدرن (معاصر) به رسمیت شناخته شده است (پاترسون و هیگز، ۲۰۰۵) او اولین

1. Crotty
2. hermeneuein
3. Harvey
4. hermeneia
5. vonzweck, Paterson & Pentland
6. Hermes
7. Paterson & Higgs
8. Gadamer
9. Heidegger
10. Ricoeur
11. Schleiermacher

کسی بود که هرمنوتیک را به‌عنوان هنر فهمیدن مطرح کرد. از دیدگاه او فهمیدن، یک امر خود به خودی نیست، بلکه نوعی موفقیت در درک معنای چیزهایی است که مهم و برجسته‌اند (بدری و حسینی‌نسب، ۱۳۸۶). همچنین او به دو اصطلاح اشاره می‌کند. یکی، تأویل دستوری که به بررسی رابطه‌ی گفتار با زبان می‌پردازد؛ یعنی به بررسی گفتار با عناصر اندیشه و ذهنیت اندیشه‌گر پرداخته می‌شود. دوم، تأویل روان‌شناسانه (واعظی، ۱۳۸۱؛ احمدی، ۱۳۸۲؛ هاروی، ۱۳۸۲؛ نصری، ۱۳۸۳؛ واعظی و قائدی، ۱۳۹۳). از نظر شلایرماخر، تفهم دستوری با جنبه‌های زبان‌شناختی تفهم و مرزهای تفکر و تفهم روان‌شناختی با بازآفرینی خلاقانه‌ای که فعالیت اجتماعی یا متن را به وجود آورده، سروکار دارد. تفسیر روان‌شناختی به معنای قرار گرفتن شخص در ذهن نویسنده جهت فهم این نکته است که در ذهن این نویسنده زمانی که این متن را نگارش می‌کرده چه چیزی می‌گذشته است (محمدپور، ۱۳۸۹). این رویکرد باعث شد هرمنوتیک از جنبه صرفاً ابزاری به نظریه عام برای فهم و تفسیر از متون شود. این نوع از هرمنوتیک به هرمنوتیک کلاسیک مشهور است؛ که هدف از فهم، عبارت بود از بازنمایی و بازتجربه‌ای از فرایند خلاق قصد نویسنده. این هدف از طریق قاعده‌مند کردن روش‌ها و تکنیک‌های تفسیری به دست می‌آمد (گائینی و حسن‌زاده، ۱۳۹۱). اگرچه کاربرد هرمنوتیک به معنای کلی فهم و تفسیر به یونان باستان بازمی‌گردد، اما تنها در قرون وسطی بود که برای نخستین بار به‌عنوان ابزاری برای تفسیر کتاب مقدس صورت گرفت (اینوود، ۲۰۰۵) بنابراین در متون پیشین به سه معنای کلی از هرمنوتیک یعنی معنای تفسیر متون مقدس، معنای روش‌شناختی و معنای فلسفی اشاره شده است (نقل از حسن‌زاده، مجدی و یوسفی، ۱۳۹۴؛ گائینی و حسن‌زاده، ۱۳۹۱).

هرمنوتیک در یک معنای عام هنر تفسیر است و گرچه کاربرد آن به معنای کلی فهم و تفسیر، به یونان باستان بازمی‌گردد، اما تنها در قرون وسطی بود که برای نخستین بار به‌عنوان ابزاری برای تفسیر کتاب مقدس صورت‌بندی شد (اینوود، ۲۰۰۵ نقل از حسن‌زاده، مجدی،

یوسفی، ۱۳۹۴). در متون پیشین به سه گرایش عمده هرمنوتیک اشاره شده است این گرایش‌ها شامل:

۱. هرمنوتیک خاص: در این نوع از هرمنوتیک صرف‌نظر از نوع حوزه علمی، به تفسیر متون می‌پردازد. برای تفسیر هر یک از متون در حوزه‌های مختلف باید از قواعد خاص به خود را مطرح کرد (شیری و عظیمی، ۱۳۹۱). به عبارتی، هر یک از شاخه‌های مختلف علوم مانند ادبیات، فلسفه، حقوق و کتب مقدس، متنی تلقی شده که نیاز به تفسیر دارند و برای تفسیر هر یک از متون این رشته نیز باید قواعدی را مطرح کرد. نخستین نویسندگان هرمنوتیک طرفدار هرمنوتیک خاص بودند، از نظر آن‌ها هر چند برخی از اصول و قواعد تفسیر متون، عام اما هر علمی قواعد تفسیری خاص خود را دارد (نصری، ۱۳۸۴).

۲. هرمنوتیک عام: در این نوع از هرمنوتیک، متون مختلف از روش‌های واحد تفسیری پیروی می‌کنند. به عبارتی، قواعد فهم و تفسیر عام هستند و بر هر متنی حاکم‌اند (شیری و عظیمی، ۱۳۹۱؛ نصری، ۱۳۸۴).

۳. هرمنوتیک فلسفی: هرمنوتیک فلسفی با نیچه و هایدگر شروع و با گادامر ادامه یافته است (پناهی‌زاده، فرزام‌پور و شاه‌دی، ۱۳۹۰). در این نوع، تفکر در اصل پدیده فهم توجه دارد تا اصول و قواعد تفسیر فهم (شیری و عظیمی، ۱۳۹۱؛ نصری، ۱۳۸۴). از نظر هایدگر و گادامر باید به جای روش فهم به چستی فهم توجه کرد. هرمنوتیک فلسفی به همه معارف بشری توجه دارد، زیرا از مبانی فهم و شرایط وجودی آن سخن می‌گوید. راه هرمنوتیک فلسفی از هرمنوتیک خاص و عام جدا است زیرا اهدافی را دنبال می‌کند که مورد توجه اصحاب گذشته هرمنوتیک نبوده است (نصری، ۱۳۸۴). هرمنوتیک فلسفی، گادامر هرمنوتیک را با تأمل در پدیده فهم و نقد آن به عنوان روش (مخصوصاً روش علوم انسانی) به همه معارف بشری بسط داد (پناهی‌زاده، فرزام‌پور و شاه‌دی، ۱۳۹۰) بنابراین از گرایش‌های فوق می‌توان به دو قسم کلی دست پیدا کرد:

۱. گرایشی که از روش تفسیر متن به معنای عام سخن می‌گوید و طرفداران آن در این اندیشه‌اند تا به رمزگشایی از متن بپردازند.

۲. گرایشی که بیشتر به هستی‌شناسی فهم توجه دارد تا روش فهم متن.

از جهتی گرایش‌های موجود در هرمنوتیک به دو قسم دیگری تقسیم‌بندی می‌شوند.

۱. عینی‌گراها: برای اعتقاد دارند که می‌توان به فهم دقیق و درست متون نائل شد؛ یعنی به فهم متون مستقل از ارزش‌های خواننده دست یافت. به‌رغم اینان مفسر می‌تواند به حذف همه پیش‌داوری‌ها و تحریفاتی بپردازد که سنت و شرایط تاریخی و فرهنگی بر وی تحمیل می‌کند، درحالی‌که تاریخ‌گرایان، تاریخ‌مندی را از اصول بنیادین فهم متون می‌دانند و آدمی را نیز اسیر شرایط ناشی از سنت و پیش‌فرض‌ها و انتظارات وی از متون به شمار می‌آورند.

۲. تاریخ‌گرایان: تاریخ‌گرایان بر عینی‌گرایان این انتقاد را مطرح می‌کنند که بر اساس چه ملاکی می‌توان تفسیری را بر تفسیری دیگری ترجیح داد؟ ترجیح یک تفسیر بر تفسیر دیگر نیاز به بررسی شواهد و مدارکی دارد که دسترسی به آن‌ها همواره میسر نیست. در مقابل عینی‌گرایان بر تاریخ‌گرایان این انتقاد را وارد می‌سازند که اگر فاصله میان گذشته و حال بسیار باشد فهم هیچ متنی امکان‌پذیر نیست. نگاه تاریخ‌گرایان ما را به نسیت می‌کشاند، چراکه بر اساس نگرش آن‌ها مدرکی برای صدق وجود ندارد (نصری، ۱۳۸۴).

بنابراین هرمنوتیک به سه دوره تقسیم‌بندی می‌شود:

اول، دیلتایی: موضوع اصلی در هرمنوتیک دیلتای نه شناخت متن و نه شناخت معنای متن، بلکه شناخت زندگی و حیات متبلور شده و ظهور یافته در متن است. از نظر دیلتای با بررسی مدارک و داده‌های تاریخی می‌توان جهان هم‌عصر مؤلف را و دنیای ذهنی او را بازسازی کرد و به‌گونه‌ای دنیای ذهنی مؤلف را شناخت که حتی خود او نیز به این فهم نائل نشده باشد. او می‌گوید هدف اصلی هرمنوتیک، درک کامل‌تری از مؤلف است. آن‌سان که او خود را چنین درک نکرده باشد، یعنی به ناگفته‌های مؤلف هم می‌توان راه یافت. دیلتای با طرح کردن مسئله نقش مهم نشانه‌های تاریخی در امر تفسیر متن بر آن بود که برای فهم متن باید بین مفسر و مؤلف یک هم‌زمانی برقرار باشد؛ یعنی مفسر باید خود را هم‌عصر مؤلف کند، نه آنکه مؤلف را هم‌عصر خود سازد. نکته فوق‌به‌روشنی معلوم می‌دارد که هرمنوتیک در دیلتای کاملاً از حیطه تفسیر گرامری خارج شده و رنگ و بوی روان‌شناختی و تاریخی پیدا می‌کند؛ یعنی هرمنوتیک دیلتای در واقع تفسیر حیات تاریخی انسان است (حسنی،

۱۳۸۳). در این نوع از هرمنوتیک به مؤلف توجه دارد. دیلتای که از هرمنوتیک به عنوان یک روش سخن می‌گوید.

دوم، هایدگری و گادامری: از این دیدگاه حقیقت چیزی نیست که به تملک کسی درآید و اساساً میان ذهن و عین یا سوژه و ابژه دوگانگی وجود ندارد. چنانچه گادامر معتقد است که آدمی باید در موقعیت مکالمه قرار بگیرد تا به حقیقت دست یابد و معنای متن در واقع پاسخ پرسش‌هایی از متن است که به وسیله خواننده مطرح می‌شود. به عبارت دیگر، میان متن و خواننده جریان دیالکتیکی برقرار است. خواننده می‌پرسد و متن پاسخ می‌دهد؛ تا جایی که خواننده با تلفیق افق‌های معنایی گذشته و امروز به معنی دست می‌یابد. این منطق مکالمه تا جایی ادامه می‌یابد که متن به یک مفهوم، واقعاً سخن می‌گوید؛ یعنی معنایی را نشان می‌دهد که از لحاظ علاقه ما به وضعیت خاص خودمان، بسیار با معناست (کوزنزهوی، ۱۳۷۱ به نقل از ثواب و شعبانزاده، ۱۳۹۳)؛ بنابراین تفکر هرمنوتیکی گادامر بر محور تعیین روش یا روش‌های تفسیر و بیان قواعد فهم متون نمی‌چرخد، بلکه وی دنبال شناسایی آن چیزی است که در همه فهم‌ها مشترک و اوصاف مشترک تمام فهم‌ها را آشکار می‌سازد (نصری، ۱۳۸۴). سوم، هرمنوتیک انتقادی هابرماس: هابرماس در برداشت خود از تفهم دچار نوعی نسبی‌گرایی است و اساساً موجب می‌شود بین فهم درست و فهم نادرست هیچ‌گونه مرزی باقی نماند. این سه نوع گاه با عناوین هرمنوتیک روشی، فلسفی و انتقادی هم بیان می‌شود (علوم، ۱۳۸۸). با توجه به گرایش‌های عمده، پژوهشگران هرمنوتیک و نظریه‌پردازان ادبی در بحث از فهم متن سه نظریه را مطرح می‌کنند:

۱. متن محوری: در این از فهم فقط به دنبال خود اثر هستند؛ بنابراین قصد مؤلف و خوانش خواننده برای آن‌ها ملاک فهم نیست (بلزی، ۱۳۷۹ نقل از شیری و عظیمی، ۱۳۹۱).
۲. مؤلف محوری: در این نوع قصد مؤلف مدنظر است. در این اینجا فقط به بررسی دیدگاه مؤلف پرداخت؛ یعنی این که مراد وی از بیان مطالب خود چه بوده است. در این راستا شلایر ماخر و دیلتای معتقدند که با جدیت و بذل و توجه کافی می‌توان به مقصود مؤلف و حقیقت اثر دست یافت (قاسمی و ایمانی، ۱۳۹۲).

۳. مفسر محوری: در این نوع نظریه مفسر یا خواننده محوری است بنابراین به خوانش خواننده اهمیت داده می‌شود (شیری و عظیمی، ۱۳۹۱).

با توجه به اینکه هر کدام از نویسندگان پیشین سعی در تعریف هرمنوتیک داشته‌اند. آنچه در این تعاریف مشاهده می‌شود این است که تفسیر و فهم جزء ماهیت و ذات این رویکرد است. هرمنوتیک و علم اطلاعات و دانش‌شناسی. علم اطلاعات و دانش‌شناسی یک نظام مرکب است و جنبه‌هایی از بسیاری دیگر از نظام‌ها را در بردارد این حوزه با دانش مدون سروکار دارد (ابرامی، ۱۳۸۳). هدف اصلی نظام‌های بازیابی اطلاعات ارائه اطلاعات مرتبط با نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان است. از سوی، هدف این نظام‌ها بازیابی همه اطلاعات مرتبط در عین ممانعت از بازیابی اطلاعات غیر مرتبط است (حریری، ۱۳۷۷)؛ زیرا بازیابی اطلاعات با سه مفهوم، چگونگی بازنمون اطلاعات، چگونگی تفسیر ساختار نمادهای آن و تشخیص مجموعه‌ای از نمادها، معنای همسان یا مشابهی با مجموعه دیگری از نمادها سروکار دارند (میدو و همکاران^۱، ۱۳۹۰). هر پدیده‌ای که انسان توانایی فهم آن را داشته باشد حتی اگر محصول ذهن انسان باشد جزئی از متن است. در این رابطه باد (۱۳۸۱) بیان می‌کند که متن مفهومی سیالی دارد که تنها به متون نوشتاری محدود نمی‌شود (نشاط، ۱۳۸۳)؛ بنابراین پدیده‌های فکری مانند نظام‌های بازیابی اطلاعات جزو متن می‌باشند. از طرفی متن موضوع تفسیر است. این تفسیر می‌تواند توسط هرمنوتیک که مبتنی بر فهم متون است، صورت بگیرد. هرمنوتیک در سه بخش از نظام‌های بازیابی اطلاعات یعنی تحلیل اطلاعات، پردازش زبان طبیعی و ربط مشهود است.

در فرایند بازیابی اطلاعات، نمایه‌ساز پس از پویش و تحلیل مفهومی مدرک، مشخص می‌کند که مدرک درباره چیست؟ و چه چیزهایی را دربر می‌گیرد. نمایه‌ساز نه تنها باید در مورد موضوع مدرک تصمیم‌گیری کند، بلکه باید به این امر توجه کند که چه جنبه‌هایی از مدرک می‌تواند برای استفاده‌کننده‌ای خاص حائز اهمیت باشد؛ تبدیل نتیجه تحلیل مفهومی مدرک به مجموعه‌ای از اصطلاحات که ممکن است برگرفته از سیاهه‌ای مجاز واژه‌ها یا از

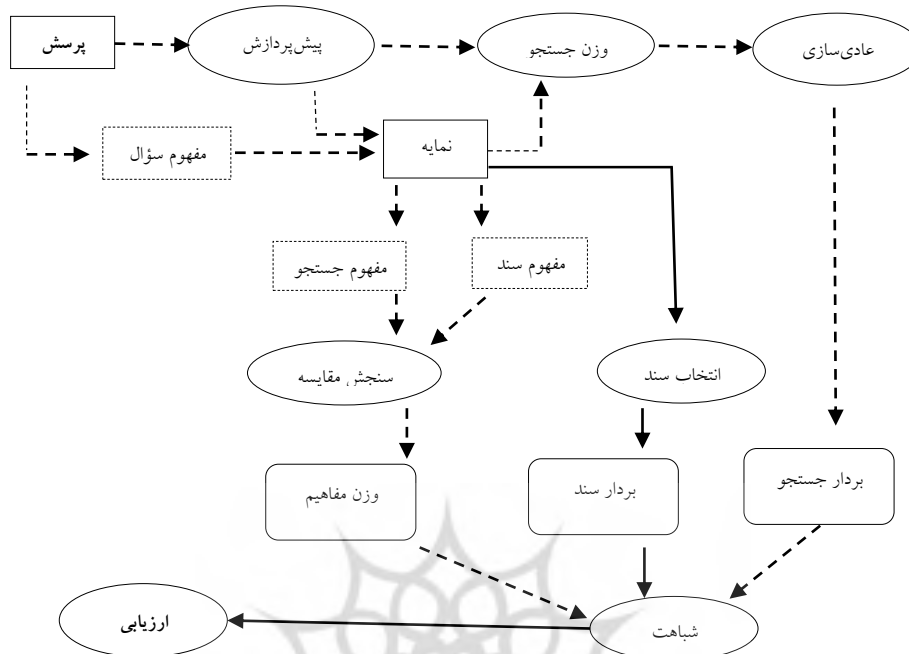
متن مدرک و واژه‌های مؤلف باشد (بهمن‌آبادی، ۱۳۸۱)؛ بنابراین، فرایند تطبیق اسناد با یک پرسش مشخص به‌جای تطبیق اصطلاح نمایه‌ای باید بر تطبیق مفهوم استوار باشد. این امر بازیابی اسناد را حتی اگر با اصطلاحات نمایه‌ای موجود در پرسش نمایه نشده باشند، ممکن می‌سازد (بیزا-ییتس و ریبرو-نتو، ۱۳۸۴). در رابطه با زبان طبیعی و هرمنوتیک، گادامر معتقد است سخن گفتن از گفتگوی هرمنوتیکی کاملاً درست است. گفتگوی هرمنوتیکی مانند گفتگوی زنده و واقعی، زبان مشترکی می‌طلبد و یافتن زبان مشترک خود عمل فهم است (فضلی، ۱۳۹۴). از طرفی عمل فهم منوط به امتزاج افق‌ها بوده و منطبق گفتگو مبتنی بر پرسش و پاسخ حاکم است. به این معنا که گادامر عمل فهم را یک‌طرفه محصول علم (مفسر) و سوژکتیو محض نمی‌داند؛ بنابراین وی در فهم، امتزاج افق معنایی متن و یا اثر دیگر را مطرح می‌کند (خنجرخانی و همکاران، ۱۳۹۴). به اعتقاد فلدمن^۱ پردازش زبان طبیعی در بازیابی اطلاعات برای استخراج معنی یک متن یا زبان گفتاری بایستی از شش سطح یا مرحله که شامل آشناسی (در نظام‌های بازیابی اطلاعات و در متون مکتوب این سطح مورد استفاده‌ای ندارد ولی وجود آن در درک زبان گفتاری و نیز نظام‌های تخصصی صوت ضروری است)، سطح دوم، سطح تکواژه‌شناختی (یکی از واحدهای زبان‌شناختی و به کوچک‌ترین جزء معنادار زبان اطلاق می‌گردد)، سطح سوم، سطح نحوی (موقعیت واژه در جمله)، سطح چهارم، سطح معنایی (معانی لغت‌نامه‌ای واژه‌ها و نیز معانی کلمات را در بافت جمله مورد بررسی قرار می‌دهد)، سطح پنجم (ساختار انواع متون را مورد بررسی قرار می‌دهد) و سطح ششم (با مجموعه‌ای از دانش در خصوص جهان بیرون در ارتباط است) گذر می‌کند (فلدمن، ۱۳۸۴).

رابطه در نظام‌های بازیابی اطلاعات پیچیده‌ای است که توجه به جنبه‌های مختلف آن در راستای توسعه کیفی عملکرد نظام‌های بازیابی اطلاعات اهمیت بسیار دارد. ارتباط مدرک با نیاز استفاده‌کننده، تنها در ربط موضوعی خلاصه نمی‌شود و عوامل شناختی و روان‌شناختی متعددی در این امر دخالت دارند (حریری، ۱۳۷۷). از آنجایی که هدف بازیابی

اطلاعات برقراری ارتباط است. از این رو، ربط کلید جدایی‌ناپذیر بازیابی مؤثر است (پائو^۱، ۱۳۷۹). در واقع ربط هسته کلیه فعالیت‌های طراحی نظام‌های اطلاعاتی و ارزیابی این نظام‌ها است (حریری، ۱۳۷۷). ساراسویک معتقد است که هسته ربط از نظر ذات و ماهیت بیان‌کننده اطلاعات بازیابی شده؛ مبین نیاز اطلاعاتی استفاده‌کننده اطلاعات است (نقل از حریری، ۱۳۷۷؛ نشاط، ۱۳۸۲). همچنین ادراک به‌عنوان بخشی از شناخت فرد در ارزیابی ربط منابع اطلاعاتی بازیابی شده نقش دارد (حسن‌زاده و رضازاده، ۱۳۸۷). کاربر در قالب یک پرسش نیاز خود را مطرح می‌کند. این پرسش به‌وسیله نظام و بر اساس یک الگوریتم مشخص با مدارک نمایه‌سازی شده مقایسه و مدارکی که بیشترین شباهت را با پرسش کاربر دارند، عرضه می‌شوند (مندل^۲، ۲۰۰۸ نقل از کیانی، ۱۳۹۱). این بدان معنی است کاربر با توجه به پیش‌فهم خود، از واژه‌ها جهت جستجوی نیازهای خود در نظام بازیابی استفاده می‌کند در رویکرد هرمنوتیکی، صورت خارجی یک حقیقت نهفته و پوشیده است و برای تفسیر آن علاوه بر متن اولیه که خود پرسش‌کننده است باید چند متن فرعی و ثانوی دیگر نیز تفسیر شود (نشاط، ۱۳۸۴)؛ بنابراین هر نظام بازیابی اطلاعات می‌تواند نوع خاصی از روند هرمنوتیکی تلقی کرد. در یک سو دامنه معینی از نظام و در سوی دیگر، افق دید یا دامنه پرسشگر قرار دارد (نشاط، ۱۳۹۰). با توجه به اهمیت ربط در بازیابی اطلاعات، شکل ۱ نمونه‌ای از بازیابی اسناد بر اساس هستی‌شناسی نشان داده شده است که در آن چرخه هرمنوتیک مشاهده می‌شود.

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Pao
2. Mandl



شکل ۱. بازیابی اسناد بر اساس هستی‌شناسی (منبع: پارالیک و کاستیال^۱، ۲۰۰۳).

اولین گام در بازیابی اطلاعات، سؤال یا پرسش است. اگر پرسش به زبان طبیعی باشد، مفسر نظام بازیابی اطلاعات تا حد زیادی نیاز به قضاوت دارد تا بتواند پرسش را به درستی به زبان دستوری موردنظر برگرداند. اگر پرسش به زبان رویه‌ای معمول پرسش نوشته شود که غالباً زبان دستوری خوانده می‌شود، نظام بازیابی اطلاعات برای انجام دقیق آنچه پرسیده شده، به قضاوت چندانی نیاز ندارد (میدو و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۶۳-۲۶۴). به عبارتی، کاربر در قالب یک پرسش، با واژه‌هایی از زبان طبیعی نیاز خود را مطرح می‌کند. این پرسش به وسیله نظام و بر اساس یک الگوریتم مشخص با مدارک نمایه‌سازی شده مقایسه و مدارکی که بیشترین شباهت را با پرسش کاربر دارند، عرضه می‌شوند. در نهایت، این کاربر است که میزان ربط آن‌ها را با نیاز خود موردسنجش قرار می‌دهد (مندل^۲، ۲۰۰۸ نقل از کیانی، ۱۳۹۱: ۲۴۴). نشاط بیان می‌کند که پرسش برخاسته از موقعیت ذهنی کاربر و افق معنایی فعلی اوست

(نشاط، ۱۳۹۰). به گفته گادامر، پرسیدن اصالتاً به معنای قرار گرفتن در فضای باز است چون پاسخ هنوز معین نیست. در نتیجه پاسخ خطابی پرسش حقیقی نیست، زیرا وقتی که چیزی که در باره‌ی آن سخن گفته شده هرگز واقعاً پرسیده نشده است هیچ پرسشگری اصیلی وجود ندارد (پالمر، ۱۳۸۴: ۲۱۹). در رویکرد هرمنوتیکی، در واقع صورت خارجی یک حقیقت نهفته و پوشیده است و برای تفسیر آن علاوه بر متن اولیه که خود پرسش‌کننده است باید چند متن فرعی و ثانوی دیگر نیز تفسیر شود (نشاط، ۱۳۸۴).

یکی از مفاهیم کلیدی که گادامر (۱۹۸۹) به آن اشاره دارد، قضاوت است. تا جایی که قضاوت انسان نادان با انسان معقول را در فقدان شکل‌گیری قضاوت در نزد نادان می‌داند (نقل از خنجرخانی و مرعشی، ۱۳۹۴). مفسر نظام بازیابی اطلاعات نیز نیاز به قضاوت دارد تا بتواند پرسش را به‌درستی به زبان دستوری موردنظر برگرداند (میدو و همکاران، ۱۳۹۰). در واقع زبان دستوری است که شلایرماخر به آن اشاره می‌کند. مندل^۱ (۲۰۰۸) نیز بیان می‌کند که این کاربرد است که میزان ربط آن‌ها را با نیاز خود موردسنجش قرار می‌دهد (نقل از کیانی، ۱۳۹۱). به عبارتی این کاربرد است که بین نیاز و پاسخ از سوی نظام بازیابی قابل داوری است. همچنین حریری (۱۳۷۷) معتقد است که وقتی رابطه بین مدرک و خود نیاز اطلاعاتی مطرح است، اصطلاح انطباق به‌جای ربط مطرح می‌شود. در واقع دیدگاه ذهنی مدنظر قرار می‌گیرد و مرتبط بودن امری ذهنی و شخصی است و باید توسط خود کاربر قضاوت شود. مورد دیگری که در ارزیابی ربط موردبحث قرار می‌گیرد، تفسیر است. تفسیر متن رابطه‌ی مستقیمی با فهم متن دارد. ارزیاب یا مفسر وقتی اطلاعاتی از یک نظام بازیابی دریافت می‌کند به‌منظور قضاوت در مورد ربط آن اقدام به تفسیر می‌کند. معینی (۱۳۸۵) بیان می‌کند از آنجائی که هرمنوتیک علم مطالعه فهم به‌ویژه فهم متن است، این متن می‌تواند هر اثر یا کنش انسانی و یا یک فرهنگ باشد (نقل از امیری و افضل‌ی، ۱۳۹۶). چنانچه گادامر (۱۹۷۶) هرمنوتیک را به‌عنوان علم یا هنر تفسیر می‌داند (ون لیون، جیو-بریننان و ویکس^۲، ۲۰۱۷).

1. Mandl
2. Vanleeuwen, Gue-Brennan and Weeks

هرچند گادامر بر این باور است که فهم دارای معانی متفاوتی است ولی او به سه معنای متفاوت فهم اشاره می‌کند که در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲. فهم از دیدگاه گادامر

در شکل ۲، فهم نظری یک فرایند معرفتی یا دریافت عقلانی است. از این رو می‌توان آن را فرایند روش‌شناختی نیز دانست. فهم معرفت عملی مهارت داشتن در انجام کاری است. هایدگر چنین فهمی از اشیا را فهم پیش‌گزاره‌ای می‌خواند و در مورد این نوع فهم واژه تعبیر به کار می‌برد و آن هنگامی است که اشیا به نحو تودستی وارد دنیای دازاین^۱ می‌شوند. نوع سوم فهم، فهم توافق است که برای گادامر از اهمیت بسزایی برخوردار است که، مبتنی بر رابطه سوژه-سوژه است. چنانچه گادامر معتقد است زبان محیطی است که آن دو طرف گفتگو به فهم متقابل می‌رسند و بر سر موضوع با هم توافق می‌کنند (فضلی، ۱۳۹۴). ادعای گادامر این است که ما در مواجهه با متون به دنبال دستیابی به معنای سوم فهم یعنی خود متن هستیم. این در حالی است که سنت هرمنوتیکی پیش از او بر این اعتقاد بود که هدف از خوانش متن دستیابی به فهم معرفت‌شناختی است (نقل از واعظی، ۱۳۹۱). گادامر فهم را بخشی از سیری می‌داند که در آن معنا موجودیت می‌یابد (دیباچ، ۱۳۹۴). چنانچه نشاط (۱۳۸۲) بیان می‌کند که دانش اطلاع‌رسانی و مؤلفه‌هایی از آن نیز چون نمایه‌سازی، بازیابی اطلاعات، ربط و مانند آن از یک سو با اظهارات و تجلیات انسانی معناداری سروکار دارد که باید به واسطه عاملی فهم‌کننده، فهمیده شود. این عامل در مجموعه معانی، ارزش‌ها و نگرش‌هایی بسر می‌برد که باید به آن‌ها توجه شود.

گادامر معتقد است که در فهم، پنج عامل تاریخ‌مندی، زبان، پیش‌داوری‌ها، انتظارات و گفتگوی با متن دخالت دارند. هایدگر معتقد است که فهم نیز امری تاریخی محسوب می‌شود، چراکه فهم امری ثابت نیست بلکه مانند خود دازاین متحول و پویا است (نصری، ۱۳۸۳). همچنین گادامر روشن ساخت که هرگونه فهم و تفسیر آدمی متأثر از سنت تاریخی‌ای است که در آن ایستاده است (جمشیدی‌ها و شالچی، ۱۳۸۷). از نظر گادامر، به همان شیوه که انسان‌ها به گروه‌های و فرهنگ‌های خاصی تعلق دارند، به زبان و تاریخ خاصی نیز متعلق هستند؛ آن‌ها در این زبان و تاریخ مشارکت می‌کنند. از نظر او بین خود، زبان و جهان یک رابطه‌ی تاریخی وجود دارد. به این معنا که سنت و زندگی جمعی گذشته که در زبان رسوب یافته توأمان تجربه‌های واقعی و تجربه‌های ممکن را شکل می‌بخشد که وی آن را آگاهی تاریخی مؤثر می‌خواند. گادامر این آگاهی مؤثر تاریخی را ذوب افق‌ها توصیف کرده است (محمدپور، ۱۳۸۹). همچنین نقش زبان را نیز مهم می‌داند. وی زبان را واسطه‌ی عام فهم می‌داند و هرگونه فهمی از جهان را زبان می‌داند (رضوی، ۱۳۸۹). دوستال^۱ (۲۰۰۲) بیان می‌کند که نقطه تمرکز فلسفه‌ی گادامر، زبان است (محمدپور، ۱۳۸۹). گادامر (۱۹۹۴) بیان می‌کند که آدمی با ذهن خالی به دنبال متن نمی‌رود بلکه با مجموعه‌ای از انتظارات و پیش‌داوری‌ها با متن مواجه می‌شود (نقل از نصری، ۱۳۸۳). در موضوع پیش‌داوری‌ها، گادامر از نیچه و هایدگر تأثیر گرفته است، چنانچه هایدگر (۱۹۶۷) در رابطه با پیش‌ساختارها، لایه‌هایی را برای فهم قائل شده که عبارت‌اند از:

۱. پیش‌داشت^۲ یا زمینه: یعنی هر فهمی با توجه به زمینه خاصی درک می‌شود. این مفهوم ناظر به نوع ارتباط ما در جهان است. حریری (۱۳۷۷) و نشاط (۱۳۸۲) به نقل از اسپربر و ویلسون^۳ بیان می‌کند مجموعه تصوراتی که از قبل در ذهن شنونده وجود دارد، زمینه خواننده می‌شود. زمینه یک ساختار روان‌شناختی است که دربردارنده انگاره‌های فرد شنونده در آن زمان معین است. نشاط (۱۳۸۲) پیش‌داشت را چارچوبی می‌داند که همواره تحت هدایت

1. Dostal
2. Fore having
3. Sperber & Wilson

آن عمل فهم اتفاق می‌افتد؛ بنابراین می‌توان گفت که پیش‌داشت عبارت از ارتباط فرد با نظام بازیابی اطلاعات است.

۲. پیش‌نگرش^۱ یا منظر: در این لایه چشم‌انداز فهم حاصل می‌شود؛ یعنی مفسر نسبت به اموری معین و جزئی‌نگرش خاصی پیدا می‌کند. در واقع پیش‌نگرش دیدگاه اولیه افراد است که فرد در نتیجه ارتباط خاص خود با نظام اطلاعاتی نسبت به آن‌ها یافته است. نشاط (۱۳۸۲) آن را بصیرت‌هایی می‌داند که از پیش‌برای فرد حاصل می‌شود.

۳. پیش‌دریافت^۲ یا شیوه: پیش‌دریافت نشانگر انتظارات مفسر از متن است (نصری، ۱۳۸۳). چیزی که از قبل تصور و دریافت شده است (نشاط، ۱۳۸۲). پیش‌دریافت ناظر بر انعکاس پیش‌نگرش در قالب زبان است. مقصود از پیش‌دریافت، کلمات و مفاهیمی است که فرد دیدگاه‌های اولیه خود در مورد نظام‌های اطلاعاتی را در قالب آن‌ها بیان می‌کند.

این پیش‌فهم‌ها از چند طریق شامل تجربه شخصی، تجربه دیگران و واسطه‌ها (متون و گزارش‌ها غیره) برای انسان حاصل می‌شود (گمسون، ۲۰۰۵ نقل از محمدپور، ۱۳۸۹). همچنین این پیش‌فهم‌ها از طریق شهود و استدلال نیز امکان‌پذیر است. آخشیک بیان می‌کند در رویکرد هرمنوتیکی، مشاهده‌گر در جریان مشاهده قرار گرفته و مبنای آن، تفسیرهای وابسته به ذهن مشاهده‌گر است؛ و تفسیر پدیده‌ها را از دریچه ذهن خود ارائه می‌دهد (آخشیک، ۱۳۹۱). عامل بعدی که گادامر به آن اشاره کرده، انتظارات است. بیشتر مواقع پدیده‌ها و موضوعات دارای معنای ویژه‌ای نمی‌باشند، زاویه دید یا نحوه نگاه به آن‌ها است که معنای متفاوتی را برای آن‌ها حمل می‌نماید. هرچقدر پدیده ذهنی‌تر و انتزاعی‌تر باشد، تکثر معنایی آن نیز بیشتر می‌گردد (امیری و افضلی، ۱۳۹۶). معمولاً، نظام‌های بازیابی اطلاعات به خود سند کاری ندارند، بلکه مبنای کار آن‌ها بازنمودهای معنایی است؛ بنابراین تعیین مرتبط بودن یک سند با یک پرس‌وجوی خاص به نوع بازنمودی بستگی دارد که برای آن سند و پرس‌وجو مورد استفاده قرار می‌گیرد. (منز^۳، ۱۳۸۴). آخرین عامل از دیدگاه گادامر گفتگو با متن است. هرمنوتیک از سه مؤلفه‌ی متن، مؤلف و مفسر قوام یافته است.

1. Fore sight
2. Fore conception
3. Monz

آنچه این سه مؤلفه را به هم مرتبط می‌کند، تأویل است و تأویل همانا فهم معنای متن است (رضوی، ۱۳۸۹). فهم نیز تلاقی افق‌های مفسر و متن است. فهم با امتزاج افق‌های مفسر و متن به دست می‌آید؛ بنابراین فهم یک گفتگو است، گفتگویی میان مفسر و متن است (نقل از نصری، ۱۳۸۳). گادامر معتقد است که عمل فهم همان ادغام افق‌ها است که تعاملی دیالکتیک میان سنت پژوهشگر و معنای متن برقرار می‌کند (پولینگ ورن، ۱۹۹۳ نقل از محمدی و همکاران، ۱۳۹۱). گادامر (۱۹۷۶) افق‌ها را همان پیش‌فهم‌ها و پیش‌داوری‌ها می‌داند که موجب می‌شود فرایند پژوهش انجام شود. او همچنین (۲۰۰۶) بیان می‌کند که مؤلف با افق خویش با افق متن به گفتگو می‌پردازد، امتزاج افق‌ها بر اساس منطبق گفتگو است که پرسش پاسخ متقابل مؤلف اثر از همدیگر است (نقل از محمدی و همکاران، ۱۳۹۱). به عبارتی امتزاج افق‌ها در فرایند فهم، مثل خود فهم نیز تابع منطبق پرسش و پاسخ است. واقع‌ی فهم در پی امتزاج این دو افق و محصول گفتگوی غیرقابل پیش‌بینی مفسر و اثر است؛ بنابراین عمل فهم حاصل گفتگو مؤلف با اثر است. میزان تأثیر و تأثر فرد از سایرین و نهایتاً بهبود فهم، در گرو حضور در افق همدیگر است (گادامر، ۱۹۸۹ نقل از خنجرخانی، ۱۳۹۴). بر این اساس الگوی علم اطلاعات و دانش‌شناسی نیز در چهار مرحله بر اساس دیدگاه هرمنوتیک در ادغام افق‌ها شکل می‌گیرد. (۱) آگاهی از فهم و پیش‌فهم‌های خود پژوهشگر یا کاربر از نظام‌های بازیابی اطلاعات، (۲) شناخت پژوهشگر در مورد نظام‌های بازیابی اطلاعات (در این مرحله کاربر نظام‌های بازیابی اطلاعات را به‌عنوان متن در نظر می‌گیرد) بنابراین لازم است پژوهشگر بایستی شناختی از متن داشته باشد، (۳) شناخت و استفاده از رویکرد مناسب پژوهشی و تفسیر موجود برای فهم بیشتر، (۴) پرداختن به امتزاج افق‌ها بر اساس یک رابطه پرسشگر و نظام بازیابی اطلاعات. در امتزاج افق افراد به دلیل تعاملی که با همدیگر دارند، همدیگر را به چالش کشانده و موجب تغییر در همدیگر خواهد شد این تعامل در افق‌ها زمینه‌ساز فهم است.

فرایند تحلیل هرمنوتیک. دازاین موجود مفسری است که دارای عالم است و ذاتاً پدیده‌ها را تفسیر می‌کند برای تفسیر متن داشتن روش الزامی است. متون نیز، مفسرین را در یافتن روش‌های تفسیری هدایت می‌کنند (نوروزی‌طلب، ۱۳۸۶: ۶۱). روش هرمنوتیک با توجه به

اینکه هنر است می‌توان متون مختلف را تحلیل کرد. این فرایند در هرمنوتیک بالأخص هرمنوتیک عینی بیشتر نمایان می‌شود. این روش با ارائه دسته‌ای از فرایندهای بازسازنده، در پی کشف ساختارهای معنایی پنهان در پس کنش‌ها است (حسن‌زاده، مجدی و یوسفی، ۱۳۹۴). روش هرمنوتیک عینی تا حدی نیز متأثر از هرمنوتیک فلسفی است. تحلیل متوالی که مهم‌ترین فرایند در این روش محسوب می‌شود، با مفهوم دور هرمنوتیکی در ارتباط است. دور هرمنوتیکی به این امر اشاره دارد که فهم مفسر در خلال تفسیر گسترش می‌یابد. همچنین شرایط جدیدی را برای فهم بعدی ایجاد خواهد کرد. در هرمنوتیک عینی نیز در خلال تفسیر متوالی داده‌ها بستری درونی شکل می‌گیرد که بر ادامه فرایند تفسیر تأثیرگذار است. این بستر درونی به نحوی دیالکتیکی در ارتباط با تحلیل هر بخش جدید از متن قرار می‌گیرد؛ بنابراین اورمن^۱ (۱۹۷۹) بیان می‌کند که در هرمنوتیک عینی به دو شیوه به تحلیل یعنی متوالی داده‌ها به شکل گام‌به‌گام و دومی تحلیل دقیق یا جزء‌به‌جزء متن انجام می‌شود (نقل از حسن‌زاده، مجدی و یوسفی، ۱۳۹۴). بینش هرمنوتیکی بیش از هر بینش دیگر، کلیت و جامعیت پدیده را مدنظر قرار می‌دهد. بدین معنا که هیچ روشی بدون دستیابی به کلیت نمی‌تواند، معنای اجزا یا عناصر را دریابد (بدری و حسینی‌نسب، ۱۳۸۶). به‌طور کلی یکی از ویژگی‌های روش هرمنوتیک، کلی‌نگری بودن آن است. در رابطه با فرایند هرمنوتیک نویسندگان متعددی به ارائه فرایند و چرخه هرمنوتیک اشاره کرده‌اند برای مثال: باقری و میرزایی (۱۳۸۱)؛ محمدی و همکاران (۱۳۹۱)؛ قاسمی و ایمانی (۱۳۹۲)؛ حسن‌زاده، مجدی و یوسفی (۱۳۹۴)؛ پاترسون و هیگنز (۲۰۰۵)؛ بول و سیسیز-کیسمانویچ^۲ (۲۰۱۰)؛ گرین هالگ، آکورت و شاو^۳ (۲۰۱۷)؛ ویرا و کویرز^۴ (۲۰۱۷). بدین منظور با استفاده از شیوه گام‌به‌گام با تغییر و اضافات از گام‌های عملی در فرایند تفسیر پژوهش حسن‌زاده، مجدی و یوسفی (۱۳۹۴)، فرایند پژوهش هرمنوتیک می‌توان به قرار زیر توضیح داد:

1. Overmann
2. Boell and Cecez-Kecmanovic
3. Greenhalgh, A'Court and Shaw
4. Vieira and Queiroz

بین شروع فرایند تحلیل هرمنوتیک عینی و تحلیل محتوا شباهت‌هایی وجود دارد و به همین دلیل برخی از پژوهشگران همچون علوم (۱۳۸۸) بیان می‌کند که تحلیل محتوا بر پایه هرمنوتیک از قدیمی‌ترین نوع روش‌های تحلیل محتوا بوده است که برای متون نوشتاری و هر نوع بیان دیگر به کار برده می‌شد (علوم، ۱۳۸۸). همچنین برخی پژوهشگران به اشتراکات روش تحلیلی محتوای کیفی و هرمنوتیک اشاره می‌کنند. این اشتراکات در سه بخش هستی‌شناختی (بررسی متن‌ها جهت نیل به معنی)؛ روش‌شناسی (استفاده از اصول روش‌های کیفی و استفاده از رویکردهای تفسیری)؛ و معرفت‌شناسی (نیل به معنی نهفته در متن) است (شیری و عظیمی، ۱۳۹۱). با این وجود، تحلیل هرمنوتیک به خصوص هرمنوتیک عینی دارای فرایندی است، اولین گام در فرایند تحلیل هرمنوتیکی، انتخاب واحد تحلیل است. واحد تحلیل به یک موضوع مهم که قرار است تفسیر شود اشاره می‌شود. در اینجا سه عامل بر انتخاب واحد تحلیل نقش بسزایی دارد که شامل پیش‌داشت، پیش‌نگرش و پیش‌دریافت که در قالب پیش‌فهم بیان شده است؛ بنابراین انتخاب درست واحد تحلیل بر اساس پیش‌فهم می‌تواند در اجرای آن مهم جلوه کند. دومین مرحله تحلیل هرمنوتیک این است که مفسر بایستی بدانند که تفسیر خود را از کجا و با چه کیفیتی شروع کند. آنچه در اینجا می‌توان بر انتخاب شروع تفسیر تأثیر داشته باشد همان پیش‌فهم‌ها بر این فرایند است. پس پیش‌فهم یک مفسر در دو مرحله انتخاب واحد تحلیل و شروع تفسیر بیشترین تأثیر را داراست. باقری و میرزایی (۱۳۸۱) بیان می‌کنند اگر بخواهیم ارزش‌یابی را چون فهم و تفسیر متن در نظر بگیریم، باید در درجه‌ی اول به این آموزه‌ی اساسی دیدگاه تأویلی توجه کنیم که فهم و تفسیر با پیش‌فهم آغاز می‌شود. می‌توان گفت ارتباطی که فرد با نظام بازایی اطلاعاتی برقرار می‌کند، شامل می‌شود. ارتباط با پیش‌داشت به صورت دوم پیش‌ساخت‌های فهم منجر می‌شود که هایدگر آن را پیش‌نظر می‌نامد. در واقع دیدگاه اولیه است که در نتیجه‌ی ارتباط مذکور نسبت به چیزی که با آن ارتباط داشته، پیدا می‌کند. صورت سوم پیش‌ساخت‌های فهم چیزی است که هایدگر از آن به عنوان پیش‌مفهوم تعبیر می‌کند. پیش‌مفهوم ناظر به انعکاس پیش‌نظر در قالب زبان است. مقصود از پیش‌مفهوم، کلمات و مفاهیمی است که فرد دیدگاه اولیه‌ی خود را در نظام‌های بازایی اطلاعاتی در قالب آن‌ها

بیان می‌کند. در مرحله بعدی مفسر شروع به جداسازی واحدهای معنایی از درون‌متن یا نظام می‌کند. در واقع واحد معنا مجموعه‌ای از واژه‌ها و یا جمله هستند که از لحاظ معنایی با همدیگر ارتباط دارند. مفسر واحدهای معنایی را انتخاب کرده سپس توسط او تفسیر می‌شود. همچنین مفسر به تفسیر واحدهای معنایی با متون پیشین می‌کند. سپس مفسر واحدهایی که دارای خصوصیت‌های مشترکی هستند را با همدیگر ترکیب در پایان با اعمال روایی و پایایی به بازسازی، بازتولید و تفسیر متن می‌پردازد. در صورتی که تفسیر با مشکل مواجه شود مربوط به پیش‌فهم و یا اینکه مفسر در هر کدام از مراحل آن را به‌درستی انجام نداده باشد مربوط به مرحله شناسایی واحدهای معنایی و ترکیب آن‌ها ایجاد می‌شود.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، هرمنوتیک نه تنها به‌عنوان یک مکتب فلسفی بلکه برای تأویل و تفسیر متون در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است؛ زیرا روش‌شناسان هرمنوتیک بر این باورند که هر پدیده‌ی اجتماعی و انسانی با داشتن شرایط مورد تأویل و فهم قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه روش هرمنوتیک برای تفهیم بنیادهای معنایی در قلمرو علوم انسانی و اجتماعی است. این روش سعی دارد تا معنای پدیده‌ها را از طریق تحول معنای آن‌ها به‌طور درونی و بیرونی روشن سازد. به‌علاوه پژوهش هرمنوتیکی به دلیل افق‌های گوناگون همچون تأویل‌گر، مؤلف و مفسر می‌تواند به‌عنوان یک رویکرد پژوهشی بکار گرفته شود. در این پژوهش تلاش شد که با استفاده از روش مروری استدلالی - انتقادی به تحلیل رویکرد هرمنوتیک و نقش آن در مطالعات کیفی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی پرداخته شود. هرمنوتیک، در فهم و استنباط و تفسیر موضوعات حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی مانند نظام‌های بازیابی اطلاعات، مرجع‌شناسی، نمایه‌سازی و یا فهرست‌نویسی می‌تواند مورد استفاده پژوهشگران این حوزه قرار گرفته شود. پژوهشگران این حوزه بر این امر واقف‌اند که فرایند بازیابی یک فرایند هرمنوتیکی است و هر آنچه موضوع فهم انسانی در آن باشد هرچند برگرفته از ذهن انسان باشد، متن محسوب می‌شود. همچنین آنچه بین این حوزه با هرمنوتیک وجه مشترکی است، همان تفسیر متن است که در

حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی منظور متن، اطلاعات و یا هر پدیده‌ای که با اطلاعات سروکار دارد، است. شایان ذکر است که ورود اطلاعات در نظام‌های بازیابی اطلاعات بدون پیش فهم امکان‌پذیر نیست و از طرفی مهم‌ترین دستاورد هرمنوتیکی آن است که ورود اطلاعات و رفتارهای فرد در نظام‌های بازیابی اطلاعات، می‌تواند همچون متن در نظر گرفته شود؛ بنابراین نکته‌ای که در نظام‌های بازیابی اطلاعات بایستی مورد توجه قرار گیرد این است که ارزیابی متن بر اساس پیش فرض یا فرض‌هایی استوار است. همچنین مراحل هرمنوتیکی در قالب کلمه یا جمله به واحدهای معنایی تبدیل می‌شود و تفسیرها بر اساس این قالب‌های معنایی صورت خواهد گرفت و اشتراک واحدهای معنایی و ادغام آن‌ها منجر به تفسیر یا بازتولید متن خواهد شد.

منابع

- آب نیکی، حسن. (۱۳۸۷). چیستی و کاربرست هرمنوتیک ادبی. *نقد ادبی*، ۱ (۲)، ۳۹-۶۲.
- آخشیک، سمیه السادات. (۱۳۹۱). نگاهی به مفاهیم سیرننتیکی نهفته در نظریه کوانتومی اطلاعات. *مجله مطالعات کتابداری و علم اطلاعات*، ۹ (۹)، ۳۷-۵۲.
- ابرامی، هوشنگ. (۱۳۸۳). *شناختی از دانش‌شناسی (علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی)*. تهران: کتابدار.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۲). *ساختار و تأویل متن*. تهران: نشر مرکز.
- امیری، علی و افضل‌ی، رسول. (۱۳۹۶). تفهیم بنیادهای معنایی نقشه سیاسی. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۷ (۴۷)، ۱۱۳-۱۳۶.
- باقری، خسرو و میرزایی، عبدالوهاب. (۱۳۸۱). الگویی برای پژوهش در ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی بر اساس دیدگاه هرمنوتیکی. *نوآوری‌های آموزش*، ۱ (۱)، ۳۹-۵۷.
- بدری، رحیم و حسینی‌نسب، سید داود. (۱۳۸۶). هرمنوتیک به عنوان یک روش پژوهش تربیتی. *حوزه و دانشگاه*، ۱۳ (۵۰)، ۱۰۳-۱۲۴.

بهمن‌آبادی، علیرضا. (۱۳۸۱). *ذخیره بازیابی اطلاعات*. ج. ۱: ۸۵۲-۸۵۸. در *دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*، سر ویراستار عباس حری. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

بیزا-ییتس، ریکاردو؛ ریبرو-نتو، برتیه. (۱۳۸۴). *قلمروهای نو در بازیابی اطلاعات*. ترجمه علی حسین قاسمی با همکاری سیروس آزادی علی جوامع. تهران: چاپار؛ دبیزش. پالمر، ریچارد. (۱۳۸۴). *علم هرمنوتیک: نظریه تأویل در فلسفه‌های شلایرماخر، دیلتای، هایدگر، گادامر*. ترجمه‌ی محمدسعید حنایی کاشانی. تهران: هرمس.

پائو، میراندا لی. (۱۳۷۹). *مفاهیم بازیابی اطلاعات*. ترجمه اسدالله آزاد و رحمت اله فتاحی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

پناهی‌زاده، مریم، فرزام‌پور، شاهرخ و شاهدی، عباسو (۱۳۹۰). رویکردی بر هرمنوتیک در علم پزشکی. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران*، ۹ (۲)، ۱۳۰-۱۴۰.

ثواب، فاطمه و شعبانزاده، مریم. (۱۳۹۳). *تبارشناسی توکل عرفانی در رساله قشیریه بر مبنای نظریه گادامر*. *مطالعات عرفانی*، ۱۹، ۸۵-۱۰۸.

جمشیدی‌ها، غلام‌رضا و شالچی، وحید. (۱۳۸۷). هرمنوتیک و مسئله تاریخ‌مندی فهم انسانی. *تحقیقات فرهنگی*، ۱ (۴)، ۱۵۹-۱۹۱.

حریری، نجلا. (۱۳۷۷). مفهوم ربط در بازیابی از نظام‌های اطلاعاتی. *مطالعات ملی کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات (کتاب سابق)*، ۹ (۲)، ۷-۱۷.

حریری، نجلا. (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

حسن‌زاده، محمد و رضازاده، الهام. (۱۳۸۷). ارزیابی ربط در نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات از رهیافت شناختی. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۱ (۲)، ۵۳-۷۰.

حسن‌زاده، بابک، مجدی، علی‌اکبر و یوسفی، علی. (۱۳۹۴). هرمنوتیک به‌مثابه روش تحقیق: بررسی روش هرمنوتیک عینی در حوزه تحقیقات کیفی، روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۱ (۸۳)، ۱۲۱-۱۴۸.

- حسینی، حمیدرضا. (۱۳۸۳). هرمنوتیک علوم انسانی "درآمدی بر هرمنوتیک ویلیام دیلتای". فصلنامه انجمن معارف اسلامی ایران، ۱(۱)، ۱۰۳-۱۲۰.
- خنجرخانی، مسعود و مرعشی، منصور. (۱۳۹۴). روایتی نو از ارزشیابی در عرصه آموزشی بر اساس مبانی هرمنوتیک فلسفی. فصلنامه علمی-پژوهشی آموزشی در علوم انتظامی، ۳(۴)، ۸۱-۱۰۲.
- خنجرخانی، ذبیح‌اله، صفایی مقدم، مسعود، پاک سرشت، محمدجعفر، مرعشی، سیدمنصور و بستانی، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). هرمنوتیک فلسفی و روایتی نو از حضور-غیاب در عرصه تعلم و تربیت. علوم تربیتی، ۶(۱)، ۵-۲۲.
- درخشه، جلال و نصرت پناه، محمدصادق. (۱۳۹۳). کاربرد روش تحلیل هرمنوتیک در مطالعات اسلامی. جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۵(۳)، ۳۹-۶۲.
- دیباچ، موسی. (۱۳۹۴). هرمنوتیک و اصالت متن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضوی، سیدابوالفضل. (۱۳۸۹). هرمنوتیک و فهم معرفت تاریخی. اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ۳۷(۴)، ۱۰۳-۱۴۶.
- شیری، طهمورث و عظیمی، ندا. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای تحلیل محتوای کیفی و روش هرمنوتیک. مطالعات جامعه‌شناسی، ۴(۱۵)، ۷۹-۹۹.
- عابدی سرآسیا، علیرضا. (۱۳۹۵). هرمنوتیک مدرن و نظریه تفسیری شهید مطهری. رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، ۴۸(۲)، ۹۱-۱۱۷.
- علوم، اسماء. (۱۳۸۸). معرفی و نقدی بر روش تحقیق هرمنوتیک. کتاب ماه علوم اجتماعی، ۲۲(۲)، ۹۵-۹۹.
- فضلی، قاسم. (۱۳۹۴). ارتباط بین فهم و زبان در اندیشه ویتگنشتاین و گادامر. دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های معرفت‌شناختی، ۹(۹)، ۱۴۱-۱۶۸.
- فردمن، سوزان. (۱۳۸۴). پردازش زبان طبیعی در بازیابی اطلاعات. در جعفر مهرداد و محمدرضا فلاحی فومنی. معناشناسی و بازیابی اطلاعات: هفت گفتار. شیراز: کتابخانه رایانه؛ کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی، ص. ۱-۲۹.

- قاسمی، علی و ایمانی، محسن. (۱۳۹۲). واکاوی مؤلفه‌های اساسی روش هرمنوتیکی ریکور برای فهم متون درسی. پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۳(۱)، ۴۳-۶۴.
- کیانی، علیرضا. (۱۳۹۱). رویکردهای ارزیابی نظام‌های بازیابی اطلاعات: پس‌زمینه و چشم‌انداز پیش‌رو. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۵(۲)، ۲۴۳-۲۵۸.
- گائینی، ابوالفضل و حسین‌زاده، امیر. (۱۳۹۱). پارادایم‌های سه‌گانه اثبات‌گرایی، تفسیری و هرمنوتیک در مطالعات مدیریت و سازمان. راهبرد فرهنگ، ۱۹، ۱۰۳-۱۳۸.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). روش در روش: درباره‌ی سخت‌معرفت در علوم انسانی. تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدی، رزگار، حسینی، به‌رزان، کریمی، یوسف و احمددوست، حسین. (۱۳۹۱). ارائه روش‌شناسی هرمنوتیکی برای الگوسازی در روان‌درمانی و مشاوره. مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۳(۹)، ۱۲۰-۱۳۳.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی، اسماعیلی کریزی، غلامعلی و جلینی، علی. (۱۳۹۳). دور هرمنوتیکی شلایرماخر: چیستی، کاربردها و نقدها. معرفت، ۲۳(۲۰۶)، ۱۱۷-۱۳۴.
- منز، کریستف. (۱۳۸۴). معناشناسی رایانه‌ای و بازیابی اطلاعات. در جعفر مهاد و محمدرضا فلاحتی فومنی. معناشناسی و بازیابی اطلاعات: هفت گفتار. شیراز: کتابخانه رایانه؛ کتابخانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی، ۳۲-۴۰.
- میدو، چالرزتی و همکاران. (۱۳۹۰). نظام‌های بازیابی اطلاعات متنی. ترجمه نجلا حریری. تهران: نشر چاپار.
- باقری، خسرو و میرزایی، عبدالوهاب. (۱۳۸۱). الگویی برای پژوهش در ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی بر اساس دیدگاه هرمنوتیک. نوآوری‌های آموزش، ۱(۱)، ۳۹-۵۷.
- نشاط، نرگس. (۱۳۸۲). هرمنوتیک و بازیابی اطلاعات. اطلاع‌شناسی، ۱(۲)، ۳۳-۴۶.
- نشاط، نرگس. (۱۳۸۳). جستارهای هرمنوتیکی در علم اطلاع‌رسانی. اطلاع‌شناسی، ۱(۳)، ۱۸-۳۷.
- نشاط، نرگس. (۱۳۸۴). زبان و هرمنوتیک در فرایند مرجع. مجله کتابداری، ۳۹(۴۳)، ۲۷-۳۹.

- نشاط، نرگس. (۱۳۹۰) در جست‌وجوی معنا: رهیافتی معناشناختی در علم اطلاعات. تهران: نشر کتابدار.
- نصری، عبدالله. (۱۳۸۳). عناصر فهم در اندیشه گادامر. نامه حکمت، (۴)، ۵۵-۶۵.
- نوروزی طلب، علیرضا. (۱۳۸۶). پرسش از چیستی هرمنوتیک، تحلیل و بررسی مسائل آن. باغ نظر، (۷)، ۶۱-۹۴.
- واعظی، احمد. (۱۳۸۱). درآمدی بر هرمنوتیک. کتاب نقد (۲۳). دسترسی از: www.ensani/fa/article/78773
- واعظی، اصغر. (۱۳۹۱). تلقی بدیع گادامر از فهم. فلسفه، (۲۰)، ۱-۲۰.
- واعظی، اصغر و قائدی، اسماعیل. (۱۳۹۳). سطوح، مؤلفه‌ها و کارکردهای دور هرمنوتیکی. فلسفه، (۲)، ۱۰۷-۱۲۵.
- هاروی، ون‌ای. (۱۳۸۲). علم هرمنوتیک. ترجمه محمد ناصحی. پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)، (۲)، ۱-۲۵۳.

References

- Boell, S. K., & Cecez-Kecmanovic, D. (2010). Literature reviews and the hermeneutic circle. *Australian Academic & Research Libraries*, 41(2), 129-144.
- Greenhalgh, T., & Shaw, S. (2017). Understanding heart failure; explaining telehealth—a hermeneutic systematic review. *BMC cardiovascular disorders*, 17(1), 156.
- Paterson, M., & Higgs, J. (2005). Using hermeneutics as a qualitative research approach in professional practice. *The Qualitative Report*, 10(2), 339-357.
- VanLeeuwen, C. A., Guo-Brennan, L., & Weeks, L. E. (2017). Conducting hermeneutic research in international settings: Philosophical, practical, and ethical considerations. *Journal of Applied Hermeneutics*, Article-7. (July 19), 1-23.
- Von Zweck, C., Paterson, M., & Pentland, W. (2008). The Use of Hermeneutics in a Mixed Methods Design. *Qualitative Report*, 13(1), 116-134.
- Vieira, K. A. L., & De Queiroz, G. M. (2017). Hermeneutic Content Analysis: a method of textual analysis. *International Journal of Business Marketing and Management (IJBMM)*, 2(8), 8-15.